

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که چینی‌ها زمانی تحریم‌ها را به اجرا درآوردند که آنها کارایی عملیاتی‌شان را از دست داده بودند؛ در واقع شرکت‌های چینی برای بهره‌برداری از تحریم‌ها و کاهش تأثیر آنها، از ترفندهای مختلفی استفاده کردند

هسته‌ای ایران، با بهره‌گیری از فرصت‌هایی که تنش‌های غرب با ایران به وجود آورده بود، منافع سیاسی و اقتصادی خود را نیز پیگیری می‌کرد. مقامات امریکایی اقدامات چین در ایران را به شکل همزمان مفید و مضر برای تلاش‌های خود تفسیر کرده‌اند. اظهارات ون‌دی شرم، معاون وزیر وقت امور خارجه امریکا در کمیته بانکداری مجلس سنای ایالات متحده در ماه اکتبر ۲۰۱۱، نشان می‌دهد که چین از محدودیت‌های موجود در تحول بخش انرژی ایران استفاده کرده است. دیپلمات‌های چینی تلاش کرده‌اند تا اختلافات میان ایالات متحده و ایران را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مرتفع سازند و با پیشنهاد یک طرح جدید، در کمک به حل و فصل مناقشات موجود بر سر راکتور اراک، نقش سازنده‌ای داشته‌اند. در این مقطع شرکت‌های چینی تصمیم گرفتند که با توافقات خود را با ایران اجرا نکنند و یا کار آنها را کندتر به پیش ببرند.

در عین حال، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که چینی‌ها زمانی تحریم‌ها را به اجرا درآوردند که آنها کارایی عملیاتی‌شان را از دست داده بودند؛ در واقع شرکت‌های چینی برای بهره‌برداری از تحریم‌ها و کاهش تأثیر آنها، از ترفندهای مختلفی استفاده کردند. به عنوان مثال زمانی که تحریم‌های ایالات متحده و اروپا منجر به کاهش ۷۵ درصدی کل فروش بنزین تصفیه‌شده به ایران در سال ۲۰۱۰ گردید، شرکت‌های چینی با فروش بنزین با قیمت ۲۵ درصد گران‌تر از نرخ بازار سود بسیاری را به دست آوردند.

لازم به ذکر است که شرکت‌های چینی قادر به ادامه فعالیت تجاری با ایران بودند، زیرا تحریم‌ها تا حدودی قابل دور زدن بوده‌اند. به عنوان مثال، در قطعنامه ۱۹۲۹، کشورها موظف به اعمال «نظارت» در امور تجاری خود با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند که مسلماً قوی‌ترین نهاد دولتی است که عمیقاً در اقتصاد حضور دارد و به طور مستقیم در صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کند. چین به طور مداوم از معافیت‌های وزارت امور خارجه ایالات متحده در قالب بخش ۱۲۴۵ مجوز قانونی دفاع ملی ایالات متحده (NDAA) استفاده نمود و مقدار قابل ملاحظه‌ای از نفت خام سبک (یعنی مایع) ایران را خریداری کرد. بنابراین، واردات نفت، که قرار بود تحت این تحریم‌ها کاهش یابد، در واقع رشد کرد. در طول دوره تحریم، چین شاهراهی حیاتی برای تهران محسوب می‌شد. چین در واقع نه تنها به عنوان مقصد اصلی صادرات نفت ایران، بلکه به طور فزاینده‌ای، پشتیبان دیپلماتیک، اقتصادی

و تکنولوژیکی این کشور به حساب می‌آمد. گرچه مقامات چینی مخالفت خود را با تحریم‌های یکجانبه امریکا و مرتبط کردن تجارت نفت با مسأله هسته‌ای نشان می‌دادند، اما در عمل، شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری‌های خود را در ایران محدود کردند و از اجرای تعهدات خود در حوزه توسعه انرژی ایران صرف نظر کردند و با آن را به تأخیر انداختند. از جمله تعلیق قرارداد CNOOC برای توسعه میدان گازی پارس شمالی در سال ۲۰۱۱، خارج شدن شرکت CNPC از توسعه پارس جنوبی. در عین حال، تحریم‌ها موجب شده بود که بسیاری از درآمدهای نفتی ایران در حساب‌های بانکی چین مسدود شود. تنها راه دولت ایران برای دریافت این پول، مبادله پایاپای کالا در برابر نفت - یا چین بود. بنابراین تشدید تحریم‌ها منجر به محدود شدن همکاری‌های چین و ایران در حوزه انرژی گردید.

بلافاصله پس از امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳، روابط گسترده سیاسی و نظامی بین ایران و چین از سر گرفته شد. واردات نفت چین از ایران در نیمه اول سال ۲۰۱۴ افزایش چشمگیری پیدا کرد. در پی لغو تحریم‌ها، Sinopec و معامله گر دولتی چین - Zhuhai Zhenrong - به دنبال تجدید قرارداد خود در ایران بودند. چین دو برابر مبلغ سرمایه‌گذاری قبلی خود را برای پروژه‌های زیربنایی ایران در نظر گرفت. این فعالیت‌ها ناشی از چشم‌انداز روشن حل اختلافات هسته‌ای ایران در پی مذاکرات هسته‌ای و با پیشنهاد رسمی رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ هماهنگ و اجرا گردید.

به نظر می‌رسد که تصمیمات کلیدی سیاست خارجی چین در دست رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ و در سیطره او قرار دارد؛ به گونه‌ای که اقتصاددانان او را تحت عنوان «رئیس همه چیز» می‌شناسند. برخی از آنها معتقدند که سیاست خارجی چین از الگوی کمتر ظاهر شدن در عرصه‌های بین‌المللی به الگوی تلاش برای دستیابی به موفقیت بیشتر، تغییر جهت داده است.

جایگاه ایران در «کمر بند و راه»

ایران نقش جغرافیایی مطلوبی را در این مسیر ایفا می‌کند؛ این کشور هم به عنوان مسیر مناسب و در دسترس غیر روسی به آب‌های آزاد محسوب می‌شود و هم در قالب تنها تقاطع شرق-غرب و شمال-جنوب برای تجارت آسیای مرکزی مطرح می‌باشد. علاوه بر این، از دیدگاه امنیت انرژی، ایران به عنوان منبع مهم عرضه بلند مدت انرژی، نقش مهمی در آینده چین ایفا